عدالت مهدوي و اديان

نصرت اله آيتي

اشاره

برخوردهاي آغازين امام مهدي(عج) با اهل كتاب چگونه است؟ عادلانه و همراه با رأفت و مدارا يا سهمگين و همراه خشونت؟ در قسمت نخست نوشتارحاضر‌، بر مسالمت‌آميز بودن رفتار امام مهدي(عج) با اهل كتاب ذكر شده است.

بر اساس اين، قرآن تنها شماري از اهل كتاب ـ كه متعصبانه حق را انكار مي‌كنند ـ در جريان فتح دنيا به دست سپاه امام مهدي(عج) كشته خواهند شد و اكثريت آنان راه رستگاري و فلاح را در پيش خواهند گرفت و در پايان، به بررسي رواياتي پرداخته شده است كه از برخوردهاي سپاه امام مهدي(عج) با اهل كتاب سخن به ميان آورده‌اند. نتيجه كنكاش در روايات، اين است كه آنها نه‌تنها تعارضي با مدعاي فوق ندارند، بلكه آن را تأييد نيز مي‌كنند.

مقدمه

از ديرباز، انديشه خرافي برخوردهاي تند و خشونتبار سپاه امام مهدي (عج) با انسانهاي عصر ظهور در اذهان بسياري نفوذ كرده است و گاه اين تصور به دور از واقعيت و تصوير تاريك از عصر پرفروغ ظهور، انسانهاي نادان را به مرز بي‌رغبتي و احياناً تنفر از درك آن روزگار پرشكوه كشانده است. براساس اين ديدگاه، وقتي برخورد امام مهدي(عج) با مسلمانان و شيعيان چنين باشد، غيرمسلمانان جاي خود دارند. فرورفتن در منجلاب فساد و تباهي و دوري از فضيلتها و آرمانهاي اخلاقي، غيرمسلمانان را سزاوار برخوردي سهمگين و انتقامي سخت كرده است و سپاه مهدي موعود (عج) از سوي خداوند متعال مأمور گرفتن اين انتقام است.

اما ميراث فرهنگي پيشوايان ديني (ع) سخني جز اين دارد و واقعيت را به گونهاي ديگر ترسيم كرده است. مهدي (عج) نه مهدي مسلمانان كه مهدي همه امتها است؛ ((السلام علي مهديالامم)).2 و عدالت او نه مخصوص مسلمانان كه براي همگان است: ((يسع عدله البروالفاجر))3. او مظهر رحمت واسعة الهي است: ((السلام عليكَ ايها الرَحمة الوَاسِعَة))4 و رحمت الهي همگان را فراگرفته است. رحمتي وُسِعَت كل شي5. او بهار مردمان است: ((السلام علي ربيعالانام))6 و خرمي روزگاران: ((ونضرة‌الايام))7 و چونان بهار، خرمي و طراوتش را به همگان هديه ميكند.

از عدالت مهدوي در ارتباط با معتقدان ديگر اديان الهي در ابعاد مختلف ميتوان سخن گفت. عدالت در دعوت (تبيين، دادن فرصت فكر و تصميمگيري و...)، عدالت قضايي، عدالت اقتصادي و... از ابعاد مختلف برخوردهاي عادلانه امام مهدي (عج) است و اين مواجهه گاه از مرز عدالت خارج شده و به حوزه احسان وارد ميشود. نزول عيسي از آسمان و شركت دادن او در تشكيل حكومت عدل جهاني و نيز سپردن نقش محوري به ايشان در كشتن دجال و سفياني ـ به عنوان دو جبهه از مهمترين جبهه‌هاي مخالف حكومت جهاني امام مهدي (عج) ـ و در نتيجه، شكل‌گرفتن احساس مشاركت و بلكه مالكيت نسبت به اين حركت جهاني در ميان اهل كتاب، از اقدامات محسنانة امام مهدي (عج) خواهد بود.

ما از ميان ابعاد مختلف عدالت مهدوي در مواجهه با اهل‌كتاب، تنها به اين سؤال پاسخ خواهيم داد كه آيا آن حضرت در آغاز حركت جهاني خويش با اهل كتاب برخوردي عادلانه، مسالمتآميز و همراه با رأفت و رحمت خواهد داشت و يا اين‌كه بسياري از آنان را از دم شمشير خواهد گذراند؟ قراين كدام ديدگاه را تأييد ميكنند و از روايات مربوط كدام نظريه را ميتوان تاييد كرد؟

نوشتار حاضر پاسخي كوتاه به سؤال فوق است.

به اعتقاد ما، استفادة امام از حربة قتل، جنگ و خشونت در كمترين حد ممكن خواهد بود و درصد بسيار اندكي از اهل كتاب در رويارويي با امام، به قتل خواهند رسيد. آن هم اهل كتابي كه از لجاجت و عناد خود دست برنداشته و حق آشكار را انكار كنند. اين ديدگاه را ميتوان به وسيله قراين متعددي تأييد و تقويت كرد از جمله:

1. مؤيد اول: نرمش دولتها در برابر امام مهدي (عج)

بيگمان، امام مهدي (عج) براساس موازين فقهي و اسلامي پيش از لشكركشي و آغاز جهاد، اهل كتاب را به اسلام خوانده و اهداف خود از جهاد را به آنان اعلام خواهد فرمود. آن اهداف عبارتند از گسترش توحيد، معنويت، عدالت... . رساندن اين پيام به گوش جهانيان، با توجه به فنآوري موجود در امر اطلاعرساني و ارتباطات امري ساده خواهد بود. با رسيدن پيام حضرت به گوش جهانيان، اين پيام آسماني در دل انسانهاي خسته و مأيوس نور اميدي ميتاباند و انسانهاي تشنة معنويت و عدالت و خسته از پوچي و ظلم و فساد را به جنبش و تحرك وا ميدارد و در درون كشورهاي مسيحي و يهودي گروهها و جماعت‌هاي زيادي خود به خود و به صورت خودجوش شكل گرفته و خود را براي كمك به امام كه در حال حركت به سوي آنهاست آماده ميكنند. امام صادق ميفرمايد:

اذا خرج القائم خرج من هذالامر من كان يري انه من اهله و دخل فيه شبه عبدة الشمس والقمر8

چون قائم (عج) قيام كند، كسي كه گمان ميرفت اهل اين امر باشد از آن خارج ميشود. و در مقابل، افرادي كه مانند خورشيد و ماهپرستان هستند به آن ميپيوندند.

گرچه در اين روايت تعبير ((مثل خورشيد و ماهپرستان)) آمده، ولي به قرينه صدر روايت منظور كساني است كه از آنها پيوستن به امام مهدي (عج) توقع نميرفت و اين تعبير شامل تمامي غيرمسلمانان ميشود. هم‌چنين بسياري از اهل كتاب امروز جهان، به اسم، اهل كتابند و از نظر عمل و اعتقادات و اخلاقيات به ماه و خورشيدپرستان بي‌شباهت نيستند. به هر حال ((با شكل گرفتن اين گروهها و جماعتها، حكومتهاي اين مناطق هرچند هم كه مصمم بر مقاومت و جنگ باشند، ناگزير از نرمش و اقدام مسالمتآميز خواهند بود؛ چرا كه حاكم در چنين شرايطي مانند شخص غيرمسلحي است كه هيچ توان و نيرويي ندارد. و تدريجاً دولتهاي كافر درمييابند كه آينده جهان در دست امام مهدي (عج) خواهد بود و اين حقيقتي است كه گريزي از آن نيست يا اينكه دست‌كم حكومت امام مهدي (عج) هم‌چون دولت بزرگي خواهد بود كه جبههگيري و رويارويي با او بسيار مشكل خواهد بود. بنابراين بهترين روش، نزديك شدن به او و داشتن برخوردي محترمانه است)).9

با وجود چنين نرمشي از سوي دولتها، به يقين، جنگ و كشتار به پايينترين سطح ممكن خواهد رسيد.

2. مؤيد دوم: ياري شدن امام مهدي (عج) به وسيله رعب

در روايات فراواني به اين نكته اشاره شده است كه امام مهدي (عج) با ايجاد رعب از سوي خداوند ياري ميشود. (منصور بالرعب) برخي از آن روايات به اين شرحاند:

الف) امام باقر :

... الرعب يسير مسيرة شهر امامه و خلفه و عن يمينه و عن شماله.

... رعب به فاصله يك ماه پيشاپيش او، پشت سر او و از راست و چپ او حركت ميكند.10

ب) امام باقر:

... يسيرالرعب امامه شهراً و خلفه شهراً امدّه الله بخمس الاف من الملائكة مسومين11

رعب به فاصله يك ماه پيشاپيش او و به فاصله يك ماه پشت سر او حركت ميكند. خداوند او را با پنج هزار فرشته نشانهدار كمك ميكند.

اثر آشكار اين رعب و هراس تضعيف روحيه مخالفان امام مهدي (عج) و به حداقل رسيدن مقاومت آنها و در نتيجه، به حداقل رسيدن درگيري و تلفات خواهد بود.

3ـ مؤيد سوم: رفتار مسالمتآميز امام مهدي (عج) با اهل كتاب

روايات فراواني به مسالمتآميز بودن رفتار امام مهدي (عج) با اهل كتاب گواهي مي‌دهد. پيش از آوردن آنها، تذكر دو نكته مفيد به نظر ميرسد:

نكته اول

سيد محمد صدر پس از آوردن برخي از رواياتي كه بر قتل مخالفان امام (عج) دلالت ميكند مي‌گويد:

ممكن است اين سؤال در ذهن خطور كند كه ظاهر روايات يادشده اين است كه قتل زياد مخصوص مسلمانان بوده و غيرمسلمانان را دربرنميگيرد. به راستي دليل اين مسئله چيست؟ با آنكه ميدانيم كه كافر و مشرك از حق دورتر و نسبت به قتل از مسلمان منحرف سزاوارترند؟

ما ميتوانيم به اين سؤال دو پاسخ متفاوت بدهيم:

الف) ما دلالت اين روايات بر اختصاص كثرت قتل به مسلمانان را انكار ميكنيم؛ زيرا اين روايات دو دستهاند:

دسته اول، رواياتي كه مطلقاند و هيچ اشارهاي نسبت به اختصاص به مسلمانان در آن‌ها وجود ندارد، بلكه ظاهر آنها عام است و شامل همه مردم ميشود. مانند اين روايات: ((القائم يسير بالقتل...))، ((لايستتيب احداً...))، ((ما هو الاالسيف...))، ((فلا يزال يقتل اعداء الله حتي يرضي الله عزوجل)) و امثال اينها.

دسته دوم، اخباري كه در آنها از برخي گروهها نام برده شده است. مانند: قريش، بتريه،12 اهل سواد، عرب، فارس، 70 قبيله از عرب. از اين گروهها، بتريه طبق فرض، منحرفاند و مستحق قتل، ولي نسبت به ديگر گروهها اينها عناويني هستند غيرديني كه در هر كدام از آنها مسلمان ـ با مذاهب متفاوت ـ و غير مسلمان ـ با دينهاي متفاوت ـ به نسبتهايي يافت ميشوند. آمدن اسامي اين گروهها در برخي از اخبار به معناي عدم شمول قتل نسبت به ديگر گروهها نيست؛ زيرا قانون ((كلّم الناس علي قدر عقولهم؛ با مردم به اندازه عقلشان سخن بگو))، باعث شده است كه پيشوايان اسلامي اسامي همه گروه‌هايي كه مشمول حكم قتلاند را بيان نكنند؛ زيرا سطح فكري و فرهنگي مردم عصر صدور اين روايات ظرفيت فراگيري آن را نداشته است.

ب: ما اگر از پاسخ اول كوتاه بياييم و بپذيريم كه ظاهر روايات اين است كه كثرت قتل مخصوص مسلمانان است، اين، امر بعيد و دور از ذهني نيست. بلكه ميتواند مطابق با قواعد عمومي اسلامي و برنامههاي كلي الهي باشد؛ زيرا ما پيشتر اشاره كرديم كه تسلط امام مهدي (عج) بر غيرمسلمانان و كشورهاي غير اسلامي برنامه ويژه و مخصوصي دارد و ما رواياتي كه اين معني را تأييد ميكنند در آينده خواهيم آورد. آن برنامه مخصوص، تسلطي است كه بيش‌تر آن جنبه مسالمتآميز دارد. هم‌چنانكه مسلمانان و كشورهاي اسلامي نيز برنامهاي ويژه به خود را دارند كه آن برنامه، كثرت قتل آنها ميباشد و روايات يادشده بر اين مطلب دلالت داشتند. اين كثرت قتل به منظور تسلط نيست؛ به خاطر پاك‌سازي جامعه از عناصر سوء است)).13

در ادامه، سيد محمد صدر علل مختلفي را براي تفاوت رفتار امام (عج) با مسلمانان و غيرمسلمانان بر ميشمارد. يكي از مهمترين آن دلايل اين است كه:

دليل و حجت حقانيت دين اسلام براي مسلمانان در محدوده وسيعي آشكار و واضح است. به خلاف غيرمسلمانان كه چنين وضوحي براي همه و در سطح واحدي فراهم نشده است. وجود اين ويژگي در مسلمانان، اقتضا ميكند كه مسلمانان از بالاترين رتبههاي ايمان و اخلاص برخودار باشند و بهترين نمونه و الگوي نظريهاي باشند كه خود آن را طرح كردهاند. مسلماناني كه اين‌گونه نباشند، به‌زودي يا در دراز مدت در امر رهبري و نيز اجراي تئوري عدالت كامل، در سرزمين خود و سراسر گيتي اخلال ايجاد ميكنند و اين با هدف بلند امام (عج) منافات دارد.14

نكته دوم

گرچه در اين روايات، واژه اهل كتاب به كار نرفته است، ولي از سرزمينهايي چون روم نام برده شده است و از آنجا كه بيش‌تر مردمان مغرب زمين اهل كتاب‌اند، شيوه رويارويي امام (عج) با مغرب زمين همان شيوة امام با اهل كتاب خواهد بود.

به هرحال، برخي از رواياتي كه بر مسالمتآميز بودن رفتار امام مهدي (عج) با اهل كتاب دلالت ميكنند به قرار ذيل است:

الف) امام علي (ع) ميفرمايد:

ثم يسير و من معه من المسلمين لايمرون علي حصن ببلد الروم الا قالوا عليه لااله الاالله فتتساقط حيطانه ثم ينزل من القسطنطنية فيكبرون تكبيرات فينشف خليجها و يسقط سورها ثم يسير الي رومية فاذا نزل عليه كبرالمسلمون ثلاث تكبيرات فتكون كالرملة علي نشز.15

سپس او و همراهانش حركت ميكنند. در كشور روم به دژي برنميخورند؛ مگر اينكه با گفتن ذكر لااله اله الله ديوارهايش فرو ميريزد. سپس در قسطنطنيه (استامبول) فرود ميآيند و با گفتن چند تكبير رودخانهاش ميخشكد و حصارهايش فرو ميريزد. آنها سپس به سمت روميه حركت ميكنند و با گفتن سه تكبير، آنجا چون شنزاري بر بلندي ميشود.

ب) امام باقر(ع):

... و يبعث جنداً الي القسطنطنية فاذا بلغوا الخليج كتبوا علي اقدامهم شيئاً و مشوا علي الماء فاذا نظر الهيم الروم يمشون علي الماء قالوا هولاء اصحابه يمشون علي الماء فكيف هو؟ فعند ذلك يفتحون لهم ابواب المدينه فيحكمون فيها ما يشائون.16

... و مهدي (عج) سپاهي را به سوي قسطنطنيه گسيل ميدارد. چون به رودخانه رسيدند، بر پايشان چيزي نوشته و بر آب راه ميروند. چون روميان اين صحنه را مشاهده كردند، مي‌گويند اصحاب او بر آب راه ميروند، پس خود او ـ امام مهدي (عج) ـ چگونه خواهد بود؟ در اين هنگام، درهاي شهر را بر آنان ميگشايند و سپاه امام وارد شهر شده و هر چه اراده كند انجام ميدهد.

ج) امام علي(ع):

... و يسير المهدي حتي ينزل بيت المقدس و تنقل اليه الخزائن و تدخل العرب و العجم و اهل الحرب و الروم و غيرهم في طاعته من غير قتال17

... مهدي (عج) حركت كرده در بيتالمقدس فرود ميآيد. تمام خزاين نزد او برده ميشود و عرب، عجم، ستيزه‌جويان، روميان و ديگران بيجنگ و درگيري اطاعت او را گردن مي‌نهند.

اين مضمون ـ برخورد مسالمت آميز با اهل كتاب ـ را ميتوان با روايات ديگري نيز تأييد كرد از جمله:

امام علي فرمود:

... فيسير المهدي (عج) بمن معه لايحدث في بلد حادثة الا الامن و الامان والبشري.18

... سپس مهدي و همراهانش حركت ميكنند. در هيچ شهري جز امن و دادن امان و بشارت اتفاقي رخ نميدهد.

4ـ مؤيد چهارم: مدت زمان فتح دنيا

چهارمين زاويهاي كه ميتوان از آن به مسئلة رويارويي امام (عج) با اهل كتاب نگريست و مي‌تواند قرينهاي بر استفاده حداقل امام مهدي (عج) از حربه قتل باشد، مسئله مدت جنگ و نبرد امام (عج) براي فتح دنياست. برخي از روايات اين موضوع بدين قرارند:

الف: عيسي الخشاب ميگويد به امام حسين عرض كردم آيا شما صاحب اين امر هستيد؟ حضرت فرمودند:

لا ولكن صاحب الامر الطريد الشريد الموتور بابيه المكني بعمه يضع سيفه علي عاتقه ثمانية اشهر19

خير، ولي صاحب اين امر طردشده رانده شدهاي است كه كسي براي پدرش خونخواهي نكرده، او هم كنيه عموي خود است و شمشير را هشت ماه بر دوش ميگذارد.

ب) امام باقر (ع):

... و يضع السيف علي عاتقه ثمانية اشهر يقتل هرجا...

... شمشير را برهنه كرده، هشت ماه بر دوش ميگذارد و بسيار ميكشد...20

ما مدت حكومت امام مهدي (عج) را به هر ميزان كه بدانيم، براساس روايات يادشده هشت ماه آن كه قاعدتاً هشت ماه آغازين ظهور است، مدت زماني است كه امام با مخالفان خود به جنگ و نبرد خواهد پرداخت. با توجه به دو نكته ميتوان اين احتمال را تقويت كرد كه درگيريهاي امام (عج) با غيرمسلمانان بسيار اندك خواهد بود و آنان در برابر امام مقاومت چنداني نخواهند كرد و امام با كم‌ترين درگيري، سرزمينهاي آنان را فتح خواهد نمود.

نكته اول: رواياتي كه در آنها به نبرد امام با ديگر گروهها اشاره شده است، مانند درگيري با قريش، بني شيبه، اهل بصره، اعراب و سفياني در نقاط مختلف و... . برخي از اين روايات از اين قرارند:

الف: امام باقر (ع):

اذا بلغ السفياني ان القائم قد توجه من ناحية الكوفة يتجرد بخيله حتي يلقي القائم... فيقتتلون يومهم ذلك حتي ان الله تعالي يمنح القائم واصحابه اكتافهم فيقتلونهم حتي يفنوهم... .21

چون سفياني مطلع ميشودكه قائم (عج) از جانب كوفه به سوي او رهسپار شده است او نيز همراه با سوارانش حركت ميكند تا اينكه با قائم (عج) روبه‌رو ميشود... پس آن روز با يكديگر ميجنگند. سپس خداوند قائم (عج) و يارانش را بر آنها مسلط ميكند تا اينكه آنها را كشته و از بين ميبرند.

ب: امام صادق (ع):

اذا قام القائم (عج) من آل محمد صلوات الله عليه اقام خمسمأة من قريش فضرب اعناقهم ثم اقام خمسمأة فضرب اعناقهم ثم خمسمأة اخري حتي يفعل ذلك ستّ مرات. قلت: و يبلغ عدد هولاء هذا؟ قال: نعم منهم و من مواليهم.22

چون قائم آل محمد (عج) يام كرد پانصد نفر از قريش را گردن ميزند. سپس پانصد نفر ديگر را گردن ميزند و سپس پانصد نفر ديگر را و اين كار را شش بار تكرار ميكند. راوي ميگويد: عرض كردم قريش اين مقدار هستند؟ فرمود؟ آري از آن‌ها و از دوستانشان.

اينها نمونههايي است از جنگها و درگيريهاي امام مهدي(عج) با دشمنان به منظور پاك كردن دنيا از وجودشان.

نكته دوم: اندك بودن مدت زمان هشت ماه براي فتح كل دنيا؛

با پيوست كردن اين دو نكته، يعني جنگها و درگيريهاي حضرت با گروههاي گوناگون در خاورميانه از يكسو و اندك بودن مدت زماني كه حضرت طي آن بر تمام دنيا مسلط ميشود، ميتوان اين احتمال را تقويت كرد كه درگيريهاي امام (عج) با اهل كتاب و ديگر ملتها بسيار اندك خواهد بود؛ چرا كه جنگهاي حضرت در خاورميانه، طبيعتاً بخش عمدهاي از هشت ماه را به خود اختصاص خواهد داد. بنابراين اگر فتح مغرب زمين و ديگر نقاط دنيا نيز همراه با جنگ و درگيري و قتل و كشتار باشد، فتح دنيا در هشت ماه امري بعيد خواهد بود؛ به ويژه با توجه به وسعت فوقالعاده مناطق مسكوني كره زمين.

نكته قابل توجهي كه مؤيد مدعاي ماست، اين است كه اين احتمال وجود دارد كه هشت ماه ياد شده، مدت‌زمان فتح و تسلط بر دنيا نباشد، بلكه مدت زماني باشد كه امام دنيا را از شر دشمنان و منحرفان پاك ميكند؛ به اين معني كه امام نخست كل دنيا را فتح خواهند كرد. طبيعتا پس از فتح دنيا انسانهاي معاند و منحرفي نيز هستند كه به دنبال ضربه زدن به نظام امام مهدي (عج) و مخالفت با اهداف و آرمانهاي حضرت باشند و امام چاره‌اي جز درگيري با اين گروه نخواهد داشت. سيد محمد صدر معتقد است هشت ماه يادشده تنها زمان فتح دنيا نيست؛ بلكه مدت زماني است كه اولاً امام (عج) دنيا را فتح ميكند و ثانياً دنيا را از لوث وجود معاندان و منحرفان پاك ميكند.23

براساس اين احتمال، فتح دنيا در مدتي بسيار كمتر از هشت ماه اتفاق خواهد افتاد و مدت زمان فتح مغرب زمين ـ سرزمين اهل كتاب ـ بسيار بسيار اندك خواهد بود. در نتيجه، قتل و درگيري به كمترين ميزان خود خواهد بود.

5 ـ مؤيد پنجم: جنگها و مرگ فراگير

قرينه پنجمي را نيز ميتوان بر مدعاي برخورد مسالمتآميز و به دور از جنگ و خون‌ريزي امام مهدي(عج) با اهل كتاب اقامه كرد. آن قرينه اين است كه براساس تعداد چشم‌گيري از روايات، پيش از ظهور، قتل و مرگ به شكل گستردهاي بر بشريت سايه خواهد افكند و درصد بسيار بالايي از انسانها بر اثر جنگها و حوادث طبيعي از ميان خواهند رفت. بيترديد وجود اين دو عامل به ويژه عامل اول ـ جنگ و درگيري ـ توان نظامي و دفاعي بشريت را به شدت كاهش خواهد داد و كشورها را از نظر نظامي آسيب‌پذير خواهد نمود. به يقين، بشريتي كه امروزه به مرگبارترين سلاحهاي كشتار جمعي مجهز است و برخي از نيروي اتمي در اختيارش براي متلاشي كردن كل كره زمين كفايت مي‌كند، در صورت وقوع جنگي فراگير، از توان نظامي خود تا حد ممكن استفاده خواهد كرد و بسيار طبيعي خواهد بود كه در صورت وقوع چنين جنگي، نيروهاي متخاصم و نيز توان نظامي و دفاعي آن‌ها به شكل وسيعي از ميان برود. اين جمله معروف كه اگر جنگ جهاني سومي وجود داشته باشد جنگ جهاني چهارم با سنگ و چوب خواهد بود، به همين واقعيت اشاره دارد.

با رخ دادن چنين جنگي و فرسايش توان نظامي كشورهاي متخاصم، مقاومت در برابر سپاه امام مهدي(عج) به كمترين حد خود خواهد رسيد و سپاه امام با كمترين جنگ و درگيري دنيا را فتح خواهد نمود.

البته اصل وجود جنگ و مرگ، پيش از ظهور، مسائلي است كه در روايات فراواني به آن اشاره شده است، ولي به گستردگي و فراگير بودن آن، تنها در چند روايت اشاره شده است و ما مدعي نيستيم كه چنين جنگي با اين گستردگي حتماً اتفاق خواهد افتاد. بيترديد، اثبات وقوع چنين حادثه هولناكي نيازمند بررسي روايات و اسناد و دلالت آنها از يك سو و بررسي ساير روايات موافق و مخالف و جمعبندي آنها از سوي ديگر، و نيز تحليل شرايط جهاني است؛ ولي وجود اين روايات در منابع دست اول و تعدد آنها اين احتمال را تقويت ميكند و همين براي ما به عنوان شاهد كفايت ميكند.

برخي از اين روايات بدين قرارند:

الف) امام علي (ع):

لايخرج المهدي حتي يقتل ثلث و يموت ثلث و يبقي ثلث.

مهدي (عج) ظهور نميكند مگر هنگامي كه يك سوم مردم كشته شوند و يك سوم بميرند و يك سوم باقي بمانند.24

ب) شيخ صدوق به سند خود از سليمان بن خالد از امام صادق روايت ميكند:

قدّام القائم موتان موت احمر و موت ابيض حتي يذهب من كل سبعة خمسة. الموت الاحمر السيف والموت الابيض الطاعون.25

پيش از ظهور قائم (عج) دو مرگ وجود خواهد داشت: مرگ سرخ و مرگ سفيد تا از هر هفت نفر پنج نفر بميرند. مرگ سرخ مرگ با شمشير است و مرگ سفيد مرگ با طاعون.

يادآوري اين نكته لازم است كه گرچه بشريت از نظر بهداشتي و مبارزه با بيماريهاي گوناگون از جمله طاعون و وبا به پيشرفت چشم‌گيري دست يافته است و مرگ انسانها با طاعون با توجه به شرايط كنوني بعيد به نظر ميرسد، ولي اين احتمال وجود دارد كه شيوع طاعون پس از بروز جنگ‌هاي فراگير باشد. با بروز چنين جنگهايي كه با سلاحهاي كشتار جمعي، بسياري از انسانها كشته ميشوند، هم توان مالي و اقتصادي كشورها از بين ميرود و هم نيروي انساني لازم براي مبارزه با بيماريها به شدت كاهش خواهد يافت؛ با اين شرايط، مبارزه با بيماري فراگير طاعون امري مشكل خواهد بود. بنابراين اگر در اين روايات، از مرگ بسياري از انسانها به وسيله طاعون سخن به ميان آمده، ميتوان براي آن وجه معقولي تصور كرد. احتمال يادشده را ميتوان با توجه به اين نكته تأييد كرد كه در روايت بالا و روايات همانند، مرگ با شمشير پيش از مرگ به سبب طاعون آورده شده است.

آن‌چه گذشت، قراين و شواهد خارجي بر رويارويي مسالمتآميز امام (عج) با اهل كتاب بود. اكنون نوبت آن رسيده است كه به بررسي رواياتي بپردازيم كه در آنها به مسئله قتل اهل كتاب توسط سپاه امام مهدي (عج) اشاره شده است. ما به منظور كامل شدن بحث و زدودن شبهه، دلالت روايات بر كشتار وسيع اهل كتاب توسط سپاه امام (عج) در اينجا مجموعه روايات را آورده و مضامين آنها را به كوتاهي بررسي خواهيم نمود. به تعبير ديگر، هدف از آوردن اين احاديث در اين‌جا اين است كه اثبات كنيم از مجموعه رواياتي كه بر قتل اهل كتاب توسط سپاه امام مهدي(عج) دلالت دارند، به هيچ وجه نميتوان كشته شدن بيشتر آنان را فهميد. بنابراين قراين و شواهدي كه بر مسالمتآميز بودن رويارويي امام (عج) با اهل كتاب اقامه شد، معارضي ندارند.

روايات

مجموعه اين روايات را ميتوان به سه دسته تقسيم كرد:

1. دسته اول روايتي كه احتمالاً بر كشته شدن همه كافران و مشركان به دست امام(عج) دلالت ميكند:

شيخ صدوق به سند خود از ابيبصير از امام صادق در تفسير آيه

هوالذي ارسل رسوله بالهدي و دين الحق ليظهره علي الدين كله و لوكره المشركون (صف: 9)

او كسي است كه رسول خود را با هدايت و دين حق فرستاد تا او را بر همه اديان غالب سازد، هرچند مشركان كراهت داشته باشند. نقل مي‌كند:

فاذا خرج القائم (عج) لم يبق كافر بالله العظيم و لامشرك بالامام الاكره خروجه حتي ان لو كان كافر او مشرك في بطن صخرة لقالت: يا مؤمن في بطني كافر فاكسرني واقتله.26

چون قائم (عج) قيام كرد، منكر خداوند و مشرك به امامي نميماند، مگر اينكه از خروج او ناخشنود است. تا آنجا كه اگر كافر يا مشركي در دل صخرهاي پنهان شده باشد، به صدا درآمده ميگويد: اي مؤمن در دل من كافري است؛ مرا بشكن و او را بكش.

اين احتمال وجود دارد كه مفاد اين روايت عموميت قتل نسبت به تمامي كفار و مشركين باشد؛ چرا كه نكره در سياق نفي افاده عموم ميكند (لم يبق كافر و لامشرك؛ هيچ كافر و مشركي نمي‌ماند...) توجه به جمله ((اذا خرج القائم؛ چون قائم قيام كند)) اين احتمال كه قتل تمامي مشركان و كفار مخصوص مكان يا زمان يا جنگ خاصي باشد را تضعيف ميكند. به عبارت ديگر، براساس ظاهر روايت، وقتي امام قيام خود را آغاز كرد و خبر آن به گوش كفار و مشركان رسيد، همه آنها از اين حادثه ناخرسند خواهند شد و همه آنها به دست امام كشته خواهند شد.

اگر ما روايت بالا را به شكلي كه گذشت معني كنيم، بر قتل تمامي كفار و مشركين دلالت دارد؛ ولي به نظر ميرسد چنين معنايي از روايت فوق قابل استظهار نباشد؛ چرا كه غايت بودن جمله ((حتي لوكان كافر او مشرك في بطن صخرة...)) از جمله قبل، وجه معقولي ندارد؛ يعني اين‌كه بگوييم ((همه كفار و مشركان از ظهور امام(عج) ناخشنود هستند تا اينكه اگر كافر يا مشركي در جايي پنهان شود، آنجا ميگويد كافر يا مشركي زير من پنهان شده)) معناي محصلي ندارد؛ چرا كه پنهان شدن كفار و مشركان و خبر دادن موجودات از آنها نميتواند غايت ناخشنودي آنان باشد. بلكه ظاهراً حتي غايت از چيزي است كه از سياق جمله فهميده ميشود؛ يعني همه كفار و مشركان از ظهور امام ناخشنود ميشوند، ميان كفار و مشركين و امام جنگ و درگيري رخ ميدهد و آنها با يكديگر ميجنگند تا آن‌جا كه اگر در دل سنگ هم پنهان شوند...)).

و طبيعتاً آناني كه با سپاه امام به رويارويي برميخيزند، همة اهل كتاب نيستند؛ بلكه بخشي از آنها هستند. بنابراين اين روايت بر قتل همه اهل كتاب دلالت ندارد.

2. دسته دوم رواياتي هستند كه بر قتل اهل كتاب در زمان يا جنگ خاصي دلالت مي‌كنند؛ از جمله:

الف: امام علي (ع):

... ثم يموت عيسي و يبقي المنتظر المهدي من آل محمد (ص) فيسير في الدنيا و سيفه علي عاتقه و يقتل اليهود والنصاري و اهل البدع27

... سپس عيسي رحلت ميكند و مهدي منتظر آل محمد (ص) باقي ميماند. او در حالي كه شمشير بر دوش دارد، زمين را درمينوردد و يهود، نصارا و بدعت گزاران را ميكشد.

اين روايت بر قتل آن گروه از اهل كتاب دلالت ميكند كه پس از مرگ عيسي بر دين خود باقي ماندهاند؛ ولي اينكه اين عده از اهل كتاب چند درصد از مجموع اهل كتاب پيش از ظهورند، همه، اكثريت يا اقليت، معلوم نيست. چه بسا با توجه به قراين و شواهدي كه در جاي خود ذكر شده است،28 بيشتر اهل كتاب اسلام آورده و تنها گروه اندكي باقي مانده و كشته شوند. بنابراين از اين روايت نميتوان كميت اهل كتابي را كه به دست حضرت كشته ميشوند به دست آورد.

ب: امام علي (ع):

... و يخرج عيسي فيلتقي الدجّال فيطعنه فيذوب كما يذوب الرصاص ولاتقبل الارض منهم احدا لايزال الحجر والشجر يقول: يا مومن تحتي كافر اقتله.29

... و عيسي خروج ميكند و با دجال روبهرو ميشود. پس نيزهاي به او ميزند و او مانند سرب ذوب ميشود. زمين هيچ يك از آنها را در خود نميپذيرد. پيوسته سنگها و درختان مي‌گويند: اي مؤمن كافري در زير من پنهان شده است او را بكش.

ج: امام باقر:

... ثم ان الله تعالي يمنح القائم و اصحابه اكتافهم فيقتلونهم حتي يفنوهم حتي ان الرجل يختفي في الشجرة والحجرة فتقول الشجرة والحجرة: يا مؤمن هذا رجل كافر فاقتله فيقتله.30

... سپس خداوند قائم (عج) و يارانش را بر آنها مسلط ميكند تا اينكه آنها را كشته و از بين ميبرند. تا آن‌جا كه اگر شخصي پشت درخت يا سنگي پنهان شود، درخت و سنگ ميگويند: اي مومن، اين مردي است كافر؛ او را بكش. پس او را ميكشد.

روايت ((ب)) مخصوص جنگ با سپاه دجال است. بنابراين دلالت بر كشته شدن كفار سپاه دجال ميكند؛ نه مطلق كفار. روايت ((ج)) نيز به قرينه صدر روايت، بر قتل كفار در جنگ با سفياني دلالت ميكند:

اذا بلغ السفياني ان القائم قد توجه من ناحية الكوفة يتجرد بخيله حتي يلقي القائم(عج)؛ ...

چون به سفياني خبر ميرسد كه قائم (عج) از سمت كوفه به سوي او حركت كرده، با سواران خود به سوي او حركت ميكند تا اينكه با قائم (عج) روبهرو ميشود...)).

بنابراين نهايت مدلول اين دو روايت و امثال آن، قتال تمامي كفاري است كه در سپاه دجال و سفياني حضور دارند؛ ولي اين مطلب را كه اين تعداد از كفار چند درصد از همه كفار هستند، از اين روايات نميتوان به‌دست آورد.

3. دسته سوم، رواياتي كه نه بر شمول قتل دلالت دارند و نه قتل در زمان يا جنگ خاصي كه ما بعضي از آنها را در اين‌جا ميآوريم:

الف: امام باقر (ع):

ولاتبقي ارض الا نودي فيها بشهادة ان لااله الاالله وحده لا شريك له و ان محمدا رسول الله و هو قوله: له اسلم من في السموات و الارض طوعا و كرها و اليه ترجعون و لا يقبل صاحب هذالامر الجزية كما قبلها رسول الله (ص) و هو قول الله و قاتلوهم حتي لاتكون فتنه و يكون الدين كله لله.31

جايي نميماند مگر اين‌كه در آن به يگانگي خداوند و رسالت پيامبر (ص) شهادت داده ميشود و اين همان سخن خداوند است كه ميفرمايد: ((تمام كساني كه در آسمانها و زمين هستند، از روي اختيار يا از روي اجبار در برابر فرمان او تسليم‌اند و همه به سوي او بازگردانده ميشوند.)) و صاحب اين امر، آنچنان كه رسول خدا (ص) جزيه ميگرفت، جزيه قبول نميكند و اين همان سخن خداوند است كه ميفرمايد: و با آنها پيكار كنيد تا فتنه (شرك و سلب آزادي) برچيده شود و دين (پرستش) همه مخصوص خدا باشد.

با توجه به اينكه در ذيل روايت به آيه شريفه ((و قاتلوهم)) ... استناد شده است، بنابراين امام با اهل كتاب به جهاد خواهند پرداخت و طبيعي است كه در اين جهاد، گروهي از اهل كتاب كشته خواهند شد؛ ولي اين‌كه چه‌قدر از اهل كتاب به دست سپاه امام به قتل خواهند رسيد، مسئلهاي است كه روايت نسبت به آن ساكت است.

ب: امام كاظم در تفسير آيه و له اسلم من في السموات والارض طوعا و كرها؛ (آل‌عمران: 83) ((و تمام كساني كه در آسمانها و زمين هستند، از روي اختيار يا از روي اجبار در برابر فرمان او تسليم‌اند)).

فرمود:

انزلت في القائم اذا خرج باليهود والنصاري والصابئين والزنادقة و اهل الردة والكفار في شرق الارض و غربها فعرض عليهم الاسلام فمن اسلم طوعاً امره بالصلاة والزكاة و ما يؤمر به المسلم و يجب لله عليه و من لم يسلم ضرب عنقه حتي لايبقي في المشارق والمغارب احد الا وحد الله قلت له: جعلت فداك ان الخلق اكثر من ذلك. فقال: ان الله اذا اراد امرا قلل الكثير و كثر القليل.32

اين آيه درباره قائم (عج) نازل شده است. او چون بر يهود، نصاري، صابئان، ملحدان، مرتدان و كفار شرق و غرب زمين خروج كرد، اسلام را بر آنها عرضه ميكند. پس كسي كه از سر اختيار اسلام آورد، او را به نماز و زكات و واجبات الهي و آنچه كه بر عهده مسلمان است دستور ميدهد و كسي كه اسلام نياورد را گردن ميزند. تا اين‌كه در شرق و غرب كسي نميماند، مگر اينكه به يگانگي خداوند معتقد باشد. راوي گويد: عرض كردم: فدايت شوم مردمان بيش از اين هستند كه بتوان آنها را كشت. حضرت فرمود: چون خداوند اراده فرمايد زياد را كم و كم را زياد ميكند.

گرچه در اين روايت، قتل غيرمسلمانان مشروط به اسلام نياوردن آنها شده و جمله شرطيه به خودي خود هيچ دلالتي بر تحقق شرط ندارد؛ لذا تحقق مشروط نيز قطعي نيست؛ ولي با توجه به علم امام (عج) به آينده، طبيعتاً اگر اين شرط برآورده نميشد و كسي نيز كشته نميشد ـ يعني همه مسلمان ميشدند ـ امام جمله را به اين شكل بيان نميكرد؛ بلكه ميفرمود همه مسلمان ميشوند. بنابراين بيان مطلب به شكل قضيه شرطيه خالي از اشاره به وجود برخي از افرادي كه اسلام را اختيار نكرده و كشته ميشوند نيست. مؤيد اين مطلب فهم راوي حديث است كه او نيز از قضيه شرطيه تحقق شرط ـ عدم اسلام ـ و در نتيجه، تحقق مشروط قتل ـ را فهميده است؛ لذا ميپرسد كه مردم بسيارند و قتل آنها ممكن نيست و حضرت نيز فهم او را رد نكرده و با اين پاسخ كه براي خداوند كم و زياد تفاوتي ندارد فهم او را تأييد ميكند.

بنابراين دلالت روايت بر قتل برخي از اهل كتاب مسلم است، ولي كميت اهل كتابي كه كشته ميشوند مسئلهاي است كه در اين روايت به آن هيچ اشارهاي نشده است. چه بسا با توجه به قراين و شواهد گذشته، بيشتر اهل كتاب اسلام آورده و گروه اندكي كشته مي‌شوند.

پرسش: مدلول ذيل روايت بالا اين است كه بسياري از اهل كتاب به دست حضرت كشته مي‌شوند؛ زيرا راوي از سخن حضرت اين گونه فهميده كه گروه زيادي به دست امام مهدي (عج) كشته خواهند شد و حضرت نيز اين فهم را رد نميكند و پاسخ ميدهد خداوند اگر بخواهد كم را زياد و زياد را كم ميكند كه اين پاسخ به گونهاي پذيرفتن فهم راوي نيز هست. بنابراين از اين روايت فهميده ميشود كه امام مهدي(عج) در رويارويي با اهل كتاب، از حربه قتل و كشتار به گستردگي استفاده ميكند و تعداد بسياري از آنان را به قتل ميرسانند.

پاسخ

يكم: در اين روايت، از شش گروه نام برده شده است: يهود، نصاري، صابئين، ملحدين، مرتدين و كفار و مدلول روايت قتل بسياري از مجموعه اين شش گروه است؛ نه كشته شدن بسياري از يهود و نصارا. بنابراين اگر ما از شواهد و قراين دريافتيم كه شيوه امام(عج) در رويارويي با اهل كتاب برپايه گذشت و مداراست، در نتيجه، سهم اهل كتاب از اين كشتار گسترده بسيار اندك خواهد بود.

دوم: ((قتل كثير)) غير از ((قتل اكثر)) است؛ ممكن است امام(عج) از يك مجموعه صد ميليون نفري 50 هزار معاند را به قتل برساند؛ ولي اين گروه، بيش‌تر مجموعه صدميليوني نيستند. گرچه اگر بدون مقايسه در نظر گرفته شوند، گروه زيادي هستند. بنابراين ما اين واقعيت را ميپذيريم كه ممكن است از اهل كتاب نيز گروه زيادي كشته شوند، ولي با توجه به قرايني كه پيشتر برشمرديم، اين گروه زياد در مقايسه با جمعيت مجموعه اهل كتاب، درصد بسيار اندكي خواهند بود و قتل اين تعداد از اهل كتاب به دليل عناد و خصومتي كه با حكومت جهاني امام(عج) دارند، بسيار طبيعي خواهد بود.

جمع بندي:

از مجموع رواياتي كه متعرض مسئله قتل اهل كتاب شده است، در روايات دسته دوم و سوم، گرچه به مسئله قتل اشاره شده است، ليكن از ميزان استفاده امام مهدي (عج) از اين اهرم ذكري به ميان نيامده است.

بنابراين با توجه به قرايني كه سابقاً برشمرديم ـ قراين اسلام اكثريت33 و برخورد مسالمتآميز امام با اهل كتاب ـ ميتوان اين احتمال را تقويت كرد كه اهل كتابي كه به‌دست امام (عج) كشته ميشوند، در مقايسه با مجموعة جمعيت اهل كتاب بسيار اندك خواهند بود.

در معناي روايت دسته اول، دو احتمال وجود داشت كه براساس احتمال اصح، معناي روايت، عموميت قتل كفار و مشركين نبود؛ ليكن اگر ما مفاد اين روايت را عموميت قتل كفار و مشركان بدانيم، اين معني به چند دليل قابل اخذ نيست:

1ـ روايات دسته دوم و سوم كه براساس آنها، قتل كفار و مشركين پس از اتمام حجت و عرضه اسلام خواهد بود.

2ـ اين اصل مسلم و قطعي عقلي و اسلامي كه كشتن شخصي پيش از اتمام حجت و آشكار شدن حقيقت ممنوع است. بنابراين اگر در اين روايت، سخن از قتل تمامي كفار به ميان آمده است، منظور كفاري است كه پس از اتمام حجت و آشكار شدن حقيقت، باز بر عقيدة باطل خود اصرار بورزند.

علاوه بر اين‌كه ظهور عبارت ((اذا قام القائم))34 بر شروع قتل از همان آغاز ظهور نيز محل تأمل است؛ چرا كه اين واژه ميتواند به اين معني باشد كه اين اتفاقات ـ ناخشنودي كفار از ظهور و قتل آنها ـ پس از قيام رخ خواهد داد؛ اما بلافاصله يا با تأخير بودن اين اتفاقات، مطلب ديگري است كه از اين واژه نميتوان استفاده كرد.

آن‌چه گذشت، برخوردهاي اوليه سپاه امام مهدي(عج) با اهل كتاب بود. تحقيق درباره سرنوشت اقليت باقيمانده اهل كتاب را كه نه اسلام آورده و نه در جريان فتح دنيا كشته ميشوند در جاي خود بايد دنبال كرد.

------------------

پي نوشت ها:

1 . نوشتار حاضر قسمتي از پايان‌نامه نويسنده است كه باعنوان دين در عصر ظهور براي مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني در مقطع كارشناسي ارشد به رشتة تحرير در آمده است.

2 . مصباح كفعمي، زيارة المهدي(عج).

3 . علامه مجلسي، بحارالانوار، ج 27، ص 90.

4 . مفاتيح الجنان، زيارت آل يس.

5 . اعراف، 156.

6 . مفاتيح‌الجنان،زيارت آل يس.

7 . همان.

8 . محمد بن ابراهيم النعماني، غيبت نعماني، ص 450.

9 . محمدصدر، تاريخ ما بعدالظهور، ص 378.

10 . محمد بن ابراهيم النعماني، غيبت نعماني، ص 337.

11 . علي كوراني، معجم احاديث الامام المهدي، ج 5، ص 251.

12 . بتريه پيروان كثيرالنواي ابتر هستند. ر.ك: محمد بن عبدالكريم (شهرستاني)، الملل والنحل، ج 1 (بيروت: دارالمعرفة، 1402) ص161.

13 . محمدصدر، تاريخ ما بعدالظهور، ص 97.

14 . همان، ص 98.

15 . علي كوراني، معجم احاديث الامام المهدي، ج 3، ص 124.

16 . همان، ج 3، ص 317.

17 . همان، ج 3، ص 119.

18 . همان، ج 3، ص 96.

19 . علي كوراني، معجم احاديث الامام المهدي، ج 3، ص 180.

20 . همان، ص 240.

21 . علي كوراني، معجم احاديث الامام المهدي، ج 3، ص 316.

22 . همان، ج 3، ص 314.

23 . محمدصدر، تاريخ مابعدالظهور، ص 410.

24 . علي كوراني، معجم احاديث الامام المهدي، ج 3، ص 21.

25 . همان، ج 3، ص 440.

26 . علي كوراني، معجم احاديث الامام المهدي، ج 5، ص 145.

27 . همان، ج 3، ص 121.

28 . ر.ك: فصلنامه انتظار شماره 11 و 12 مقاله: اهل كتاب در دولت مهدي(عج).

29 . همان، ج 3، ص 122.

30 . همان، ج 3، ص 316.

31 . همان.

32 . علي كوراني، معجم احاديث الامام المهدي، ج 5، ص 60.

33 . فصلنامه انتظار شماره 11 و 12 مقاله اهل كتاب در دولت مهدي (عج).

34 ـ ص 30.